

با پوزش به اطلاع میرسانیم که برنامه های رادیو انترناسیونال بعثت نقص فنی فرستنده از روز دوشنبه ۷ آذر (۲۷ نوامبر) بمدت چند روز قطع میشود. قرار است تعمیر این نقص ۵ روز طول بکشد. امیدواریم بتوانیم از روز جمعه ۱۱ آذر (اول دسامبر) پخش برنامه های رادیو را از سر بگیریم. با تشکر از صبر و علاقه شنوندگان و دوستداران رادیو انترناسیونال.

# از کارگران شهرداری تهران حمایت کنید!

ده هزار کارگر اخراجی شهرداری فردا، شنبه ۱۲ آذرماه تحصن میکنند

اخراجی شهرداری باید تمامی مزایای پرداخت نشده گذشته، خسارت کافی برای اخراج و همچنین خسارت مالی ۷ سال گذشته را دریافت دارند. همه کارگران باید بلافاصله به کار بازگردانده شوند و یا بیمه بیکاری مکفی دریافت دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

است در روز شنبه ۱۲ آذر تمامی کارگران "تعدیلی" که بالغ بر ده هزار نفر میشوند، همراه با خانواده های خود در برابر شورای شهر اجتماع کنند. حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم بویژه تهران را فرا میخواند که از تحصن کارگران اخراجی شهرداری حمایت کنند. کارگران

و در واقع اخراج کنند. اکنون کارگران اخراجی شهرداری بعد از چندین اعتراض، متحد تر و مصمم به صحنه بر میگردند. هفته گذشته صدها نفر از آنان سه روز متوالی در برابر شورای شهر تهران اجتماع کردند و خواهان احقاق حقوق خود شدند. نماینده کارگران متحصن به خیرنگار ایسنا گفت که قرار

کارگران اخراجی شهرداری بعد از ۶ سال به صف مبارزه متحد بر میگردند. تعداد آنها بیش از ده هزار نفر است. در سال ۷۳ در یک توازن قوای نابرابر، دولت اسلامی و شهردار وقتش، کرباسچی، توانستند ده هزار کارگر شهرداری تهران را که از ۸ تا ۲۲ سال سابقه داشتند، با مبالغ ناچیزی بازخرد

## کارگران سقز خطاب به کارگران جهان

کمپین آزادی  
محمود صالحی

و از نظر جسمی و روحی زیر فشار و آزار باشد. از راه دور دست همه کارگران جهان را میفشاریم و از اتحاد و مبارزه شما سپاسگزاریم. همچنین امیدواریم که شعار "کارگران جهان متحد شوید!" به شعار هر کارگری مبدل شود.

- جمعی از کارگران ساختمانی شهر سقز - جمعی از کارگران نانوایان های سقز - جمعی از کارگران بیکار سقز - جمعی از کارگران کوره پزخانه ها پنجشنبه ۱۱ آذر ۱۳۷۹

وجود داشته آن را بر هم زده، رهبرانش را به زندان انداخته، وابستگان خودش را به جایشان منصوب کرده و آن را به پایگاه بسیج تبدیل کرده است. به همین دلیل هم محمود صالحی را به زندان انداخته و تا کنون به خواست کارگران و اتحادیه های کارگری جهان در مورد آزادی و مداوای او جوابی نداده است. ما از کارگران جهان میخواهیم که بیشتر و بیشتر به جمهوری اسلامی ایران فشار بیاورند که محمود صالحی را مداوا کند و اجازه ندهند که یک همسنگرشان در زندان بماند

حکومت الله و امام زمان هزاران بار طفره روی کرده و وعده دنیای دیگر پر از خوشی میدهد، ولی دیوار دروغ و وعده های این رژیم دیکتاتور و مرتجع روز به روز بیشتر شکاف برمیدارد و فرو میریزد.

کارگران و زحمتکشان به خوبی میدانند که وزارتخانه های گوناگون و تشکلهای اسما "کارگری" دست ساخت رژیم نه تنها پشتیبان آنان نیستند بلکه ابزاری برای استعمار هرچه بیشتر طبقه تحت استعمار هستند. رژیم ایران در هر شهر و شهرکی که یک سندیکا یا انجمن صنفی غیر وابسته به خودش

کارگران! زحمتکشان جهان! همچنانکه میدانید و بر همگان نیز آشکار است، رژیم دیکتاتوری ایران از همان اولین روز به قدرت رسیدنش تا کنون، به خواستهای طبقه کارگر و زحمتکش گوش نداده و فقط با کشتار و شکنجه و زندان با اتحاد و حقوق مشروع طبقه استثمارشده مقابله کرده است و برای ترساندن کارگران و آزادیخواهان هر روز از سوتی و به بهانه ای، مانور نظامی و قدرت سپاه و ارتش و بسیج را به مردم نشان داده و برایشان خط و نشان کشیده است. به نام

## جمهوری اسلامی و "انتخابات" بهار ۸۰



دوم خرداد انعکاس تغییرات مهمی است که در توازن قوای سیاسی

صفحه ۲

چنانکه شایسته یک "قهرمان" اصیل دوم خردادی است، می فرماید که بخاطر مصالح نظام "به مردم گزارش نداده است"، تا طرف مقابل را تهدید کند که انشاء الله در پایان دوره اش "گزارش میدهد!"

آیا آنطور که کیهان میگوید "این کمپین تبلیغاتی زودرس برای انتخابات ریاست جمهوری است؟" نمونه تلاشهایی است که نبوی دوم خرداد را برای "امید دادن به مردم" و "کشاندن مردم به پای صندوقها" به آن فرا میخواند؟ باور کنید که خودشان هم مطمئن نیستند که نظامشان تا بهار ۸۰ بکشد. در هر حال، تقلاهای جدید

خرداد، کسانی مثل بهزاد نبوی و محمدرضا خاتمی و حتی موسوی خوئینی ها هم لحن شان را علیه شورای نگهبان و حتی تلویحا علیه "ولایت فقیه" تند کرده اند. جناح راست را به "استعفای دسته جمعی از مجلس" و اینجا و آنجا به "رفراندوم" تهدید می کنند. "مرجع نبودن شورای نگهبان" و "لزوم دخالت مراجع تقلید دیگر" را پیش میکشند و بطور غیر مستقیم اتوریته مذهبی خامنه ای را زیر سوال میبرند. حتی خاتمی، از خلوت "نهاد رئیس جمهوری" اش بیرون خزیده تا شکوه کند که بعد از سه سال و نیم هیچکاره است.

مصطفی صابر

دوم خردادیها ظاهرا به خود تکانی میدهند. این تکان در جناح چپ آن و آنهایی که دورتر از قدرتند (مثلا تحکیم وحدتی ها) مشهود تر است. جلساتی نظیر "اعتراض به شکل گیری انسداد" در دانشگاهها برپا میکنند و سخنرانانی مثل افشاری و سحابی (که در "دادگاه برلین" به اسلام و نظام قسم خوردند و به حزب کمونیست کارگری دشنام دادند) جسارت می یابند تا علیه "انسداد" و "اختناق" حرف بزنند. اما علاوه بر بخش "تندرو" دوم

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# بودجه دولت، بودجه ملت!

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

خاتمی این هفته بودجه دولتش را به مجلس ارائه داد. طبق معمول دغدغه اصلی بودجه دولت اسلامی و سرمایه دار، قوای انتظامی و امنیتی، قوه قضاییه، خلاصه دستگاههای سرکوب و اقتدارشان بود. و اینکه نازلترین سطح ممکن از معیشت و زیست برای اهالی پیش بینی بشود تا "سرمایه و تولید" پیش برود و "شکوفای" گردد! ولی تکلیف بودجه مردم چیست؟ آن میلیونها بیکاری که هیچ امکانی برای تامین معیشت ندارند چه کنند؟ صدها هزار کارگری که ماههاست مزد نگرفته اند چطور

بودجه امسال مردم را هم میتوان سرعت بهبود بخشید. میتوان همین جمهوری اسلامی را مجبور کرد که از مخارج دستگاه سرکوب و تحمیق اش، از خرج سپاه و ارتش و قوه قضاییه اش بزند و مثلا به بیکاران بیمه بیکاری بدهد. میتوان جمهوری اسلامی را به پرداخت فوری تمامی دستمزدهای معوقه مجبور کرد. میتوان دستمزدها را چندین برابر افزایش داد. بویژه این آخری بسیار مهم و در عین حال کاملا شدنی است. ماههای پایانی سال نزدیک میشود و مبارزه بر سر افزایش حداقل دستمزد به میان کشیده میشود. اگر از همین حالا بخش های موثر طبقه کارگر مثل نفت و غیره مطالبه افزایش دستمزدها را مطرح کنند. اگر مجمع عمومی ها تشکیل بشود، اعتصاب ها

را کنار بگذاریم، حتی اگر همه "بیت المال" را هم با کمال امانت داری خرج کنند، آنطور خرج خواهند کرد که سرمایه و ضروریات حفظ حکومت اسلامی اش حکم میکند. یعنی کمابیش آنچه که در بیست سال گذشته شاهد آن بودیم. این راهی ندارد جز آنکه از شر جمهوری اسلامی و سرمایه داری خلاص شد. دیر یا زود کارگران و توده وسیع مردم محروم و زحمتکش باید اختیار همه امور جامعه را به دست بگیرند و ثروت و منابع جامعه را برای پاسخگویی به نیازهای همه انسانها مصرف کنند. اما امروز چه؟ بودجه همین امسال را چه باید کرد؟

از صفحه ۸

## "انتخابات" بهار ۸۰

کشور صورت گرفته است.

### شکست راست

اینکه دوم خرداد بعد از کرش خفت بار در برابر "حکم ولایتی" فقیه جسارت میکند صدایش را بلند کند، نشانه آشکار دیگری است که سیاست ایجاد ارباب و وحشت که جناح راست و قوه قضاییه و سپاه پاسداران ابتکار اجرای آنرا داشتند اساسا به شکست انجامیده است. مردم آنرا شکست دادند. قرار بود با آمدن فقیه به صحنه، با بستن روزنامه های دوم خرداد و راه انداختن محاکمات نمایشی و مسخره، با تهدید حکم ارتداد و اعدام و اجرای گسترده تر قصاص و دیگر قوانین وحشیانه اسلامی، قدرتمندی کنند، مردم را بترسانند و اسلام را حفظ کنند. اما اینطور نشد. تداوم شورهای شهری نظیر خرم آباد، عجب شیر و غیره، گسترش غلیان های جوانان در اصفهان و شیراز و محلات مختلف تهران، افزایش اعتصابات کارگری و در مواردی تهدید کننده مثل اعتصاب کارگران شرکت ملی حفاری، چیت بهشهر و نساجی قائم شهر، اعتصابات گسترده دانشجویی تقریبا در تمام

دارد. دوم خرداد هم که ژست مصلح و محلل را گرفته بود تا مگر نظام را از فروپاشی برهاند، اعتبارش را از دست داده است. صحنه سیاست ماههایی آتی ایران را کشاکش بر سر انتخابات رئیس جمهوری اسلامی تعیین نخواهد کرد. اگر "انتخاباتی" هم در کار باشد، تحت الشعاع مبارزه جنبش سرنگونی طلبی مردم علیه کل جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت. ماههای آتی ماههای متشکل شدن و قدرت گیری جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران است. ماههای دخالگری هرچه وسیعتر کمونیسم کارگری و حزب آن در پیشاپیش این جنبش است.

اسلامی خود را برای "انتخابات" بعدی اش "آماده" میکند. تعجبی ندارد اگر خاتمی، تنها اسب این مسابقه، هنوز معلوم نیست که بدود یا ندود؛ یا نبوی بعد از شمردن سناریو های مختلف برای انتخابات (که در بیشتر آنها "حماسه" دوم خرداد تکرار نخواهد شد) آخر سر بگوید معلوم نیست که آنوقت وضع چطور باشد؛ و یا اگر جناح راست هنوز گیج بخورد و نداند چه کند. مسبب اصلی این سردرگمی حاکمان اینست که مردم ایران انتخاباتشان را قبلا کرده اند: جمهوری اسلامی باید برود. شلنگ تخته های جناح راست نتوانسته مردم را از حرکت در آن سمت باز

جناح راست مرعوب نشد، بلکه با سر فرود آوردن دوم خرداد نیز "مایوس" نشد. قرار هم نبود بشود. از آنچه مایوس شد دوم خرداد بود. چرا که خاصیت ابزاری اش را تقریبا به تمامی از دست داد. در عوض مردم به جستجوی جدی برای جریانات و احزاب سیاسی برخاستند که مطالبات خود و در راس همه سرنگونی جمهوری اسلامی را نمایندگی میکنند. جریاناتی مثل حزب کمونیست کارگری بیش از پیش مطرح شدند. سقوط سریع دوم خرداد، اما، به تجزیه و پلازاسیون نیروهای درونی آن میدان داد. پدنه دوم خرداد آشکارا با سران آن فاصله گرفت. جناح "تندرو" دوم خرداد لنگان لنگان از پی این تمایل میدود و امیدوار است که در جایی بالاخره بدنه دوم خرداد را گیر بیاورد و به آن مهار بزند. جناح در قدرت دوم خرداد تازه دارد تکانی میخورد تا فاصله با جناح "تندرو" را کم کند. اما اینها، یعنی بخش های در قدرت دوم خرداد، به نوبه خود ۷۲ ملت اند با اختلافات بسیار. تمام این تکانها و دودینها میتوانند دوم خرداد را به شق های مختلف تقسیم کند. دوم خرداد مدتی است که مرده است. ما اکنون شاهد تجزیه آن هستیم.

### زندگی بعد از مرگ

فاکتور دومی که تغییر کرده است، موقعیت خود دوم خرداد است. این دوم خرداد فعلی چه از لحاظ موقعیت عینی آن در جامعه، و به طبع آن، چه از لحاظ انسجام درونی اش، با دوم خرداد قبل از حکم ولایتی خامنه ای متفاوت است. زبونی دوم خرداد در مقابله با ولی فقیه به مردم سرنگونی طلب نشان داد که دیگر دوم خرداد "پلی برای عبور" از جمهوری اسلامی نیست. جامعه نه فقط با هجوم

## به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی 0044-771 4097928

بهروز مدرسی

دبیر سازمان جوانان کمونیست: 0049172 295 7603

## انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

### "انتخابات" بهار ۸۰

در چنین شرایطی جمهوری

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید  
www.radio-international.org

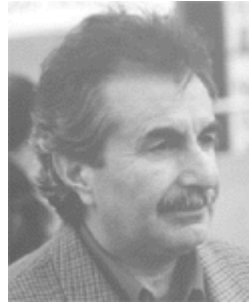
# نافرمانی مدنی، سرنگونی، انقلاب؛ آخرین صحنه سقوط کدام است؟

فاتح شیخ الاسلامی

این دیگر فرض روشنی است که در ایران یک بار دیگر مساله قدرت سیاسی باز شده و به اصلی ترین مشغله جامعه بدل شده است. اگر از سه سال پیش بحث عمومی سرنوشت حکومت، سوال کلی "جمهوری اسلامی می رود یا تعدیل میشود؟" سوال رایج جامعه بوده است، مشخصا از یکسال و نیم پیش، از ۱۸ تیر، بحث چشم انداز سرنگونی، بحث چگونگی صحنه پایان عمر جمهوری اسلامی است که همه جا دست بالا پیدا کرده و مدام دو جناح رژیم را به واکنش کشانده است. واکنش هیستریک کیهان روزنامه جناح راست رژیم، به "نافرمانی مدنی" تازه ترین نمونه است.

به دنبال انتشار گزارشی در گاردین (۲۱ نوامبر) راجع به اینکه بحث ضرورت دامن زدن به جنبش "نافرمانی مدنی" در میان دانشجویان

ایران بالا گرفته و با رسوخ به نشست سالانه "دفتر تحکیم وحدت" در اصفهان، موجب صف آرایی طرفداران خاتمی و عبور از خاتمی ها شده است، کیهان واکنش تندى نشان داده و طی چند شماره به طرح "نافرمانی مدنی" بعنوان توطئه مشترک آمریکا، انگلیس و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی شديدا حمله کرده است. از نظر کیهان "نافرمانی مدنی" (یا به قول روزنامه "براندازی خاموش") که بعنوان یک شیوه موثر مقابله با حاکمیت، شیوه ای که برای مثال سال ۵۷ شاه را سرنگون کرد، ده سال پیش رژیمهای اروپای شرقی را به زانو در آورد، در اندونزی به عزل سوهارتو و در یوگسلاوی به شکست میلوسویچ انجامید، طرح سیا و انتلیجنس سرویس و موساد و "نیروهای برانداز" برای تشدید مستمر نارضایتی عمومی و گسترش اعتراضات و اعتصابات و سرانجام فلج کردن و انداختن نظام است. کیهان با براه انداختن این کمپین هیستریک، تحکیم وحدت را برای محکوم کردن



این "پروژه" زیر فشار گذاشته است. ظاهرا تحکیم وحدتی هایی نظیر علی افشاری و ابراهیم شیخ، برای تبری جویی از پروژه یا تاکتیک "نافرمانی مدنی" نیاز چندانی به فشار کیهان نداشته اند. علی افشاری آن را رد میکند چون اعتراضات را از کنترلشان بیرون میبرد و ابراهیم شیخ با ابراز خوف علنی از شیخ انقلاب در پشت "نافرمانی مدنی"، در مخالفت با آن نهایتا میگوید: هیچ نسلی نمیتواند دو انقلاب را تحمل کند!! اینها با کیهان هر مشکلی داشته باشند،

در مخوف دانستن نافرمانی مدنی مشکل ندارند. نه فقط اینها، حتی "عبور از خاتمی" هایشان هم امیدوارند رژیم را نگهدارند و برای اصلاح "زیر فشار" بگذارند. مشکل کیهان با حضرات رقیب اینست که نمیتواند حالی شان کند که حال نظام و اسلام عزیزشان چنان زار است که هرگونه فشاری بر آن، هرگونه چراغ سیزی به "نافرمانی مدنی"، مستقیما به "نیروهای برانداز" و نهایتا به نزدیک شدن روز پایان کمک میکند. آنچه کیهان را از "نافرمانی مدنی" به وحشت انداخته اینست که میدانند جنبش سرنگونی طلبی مردم از هر گشایش ناشی از شکاف و کشمکش جناحها، برای پیشروی بیشتر استفاده میکند. اما مشکل کیهان در اینست که نمیخواهد بگوید، یا صراحتا بگوید، که پروسه نافرمانی مدنی، در شکل تشدید و گسترش نارضایتی عمومی و اعتراضات و اعتصابات مستمر خیلی وقت است شروع شده است. بازتاب این واقعیت در نشست دفتر تحکیم وحدت و ایجاد شکاف در این جریان، دقیقا به معنی پیشرفت این پروسه است. به معنی اینست که کار دارد به جاهای باریکتر میکشد. کیهان و تحکیم وحدت و غیره در هر چه

اسلامی خواهد بود. آخرین صحنه سقوط هرچه باشد، نفس سقوط رژیم ناگزیر است. کیهان و تحکیم وحدت و کل جناح راست و دو خرداد، هر قدر، در سازش باهم و یا جداگانه، برای حفظ نظامشان بکوشند، بیرون آنها نیروهای دیگری فی الحال در کار به زیر کشیدن رژیمند، نیروی اکثریت عظیمی که جنبش "نه گفتن" به حکومت اسلامی را تشکیل میدهند. طبقه کارگر و کمونیسم کارگری میتوانند و باید پرچمدار این جنبش عظیم "نه گفتن" باشند، جنبشی که خواه به شکل نافرمانی مدنی و خواه به شکل به میدان آمدن انقلابی مردم، جامعه را بسوی خلاصی از کابوس جمهوری اسلامی، بسوی برقراری جمهوری سوسیالیستی و آزادی و برابری هدایت کند.

جرم نیست. نقد و اقدام سیاسی و سازمانگری علیه قدرت فائقه جرم نیست. اصولا، نفس وجود چیزی بنام "جرم سیاسی"، با هر تفسیر و لایحه و بند و تبصره ای، سند اختناق و بیحقوقی یک جامعه را نشان میدهد. اگر چیزی جرم است داشتن زندانی سیاسی و تعقیب و آزار مردم بدلیل ابراز وجود سیاسی و بیان تمایلاتشان است. اگر چیزی جرم است فراهم نکردن امکانات وسیع و رایگان توسط دولت برای ابراز وجود سیاسی همگانی است. اگر چیزی جرم است شرط و محدودیت قائل شدن دولت و نهادهای قدرت در یک جامعه برای فعالیت سیاسی است. این خود جمهوری اسلامی با تمام جناحهایش است که نمونه بارز جرم و جنایت و خونریزی علیه آزادی و حق سیاسی و اجتماعی شهروندان ایران است. مقوله "جرم سیاسی" و جنگ جناحها پیرامون آن، سندی دیگر بر ورشکستگی این نظام و طرفدارانش، و نشان حقانیت جنبشی است که می رود طومار این اوباشان را در هم بپیچد.

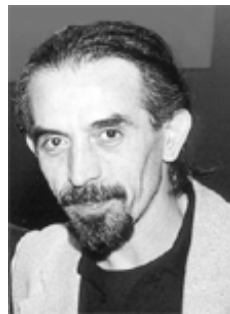
و عدم اجرای "قانون اساسی و داشتن" اختیارات کافی و قانونی" در اینمورد، اسم رمز تناسب قوای جناحهای حکومتی است. تناسب قوای که هر روز با اعتراضات کارگران و مردم محروم به ضرر رژیم و به نفع مردم تغییر میکند.

اما مسخره تر از اینها بحث "جرم سیاسی" است. اشتباه نکنید قرار نیست که در مورد زندانیان سیاسی و یا مجرمین توحش اسلامی کمتر شود. اینجا هم قلع و قمع و بخون کشیدن "براندازان" و مخالفین آزادیخواه نظام فرض هر دو جناح است. آنچه در این دعوا بینهایت مشتمز کننده است خود مقوله "جرم سیاسی" است. این البته جمهوری اسلامی است و آنهایی هم که در بیرون رژیم این بحث را بعنوان طرحهای "دولت و مجلس اصلاحات" توی بوق میکنند، فقط دارند اشتراک بنیادیشان را با این رژیم نشان میدهند و دامنه حقیر درکشان از آزادی را برملا میکنند. در یک جامعه انسانی سیاست و فکر داشتن جرم نیست. مخالفت با دولت و قدرت سیاسی

## "جرم سیاسی"؟!!

siavash.d@yahoo.com

سیاوش دانشور



بمب ساعتی انفجار بزرگ قرن نفس میکشد.

اما دیگر دارد حتی موضوع دعوایشان مسخره تر از مسخره میشود. خودشان هم میدانند که مردم را دارند بیش از حد خسته میکنند و قبل از اینکه به نتیجه بند و بست هایشان فکر کنند از رویارویی با عکس العمل مردم خسته و عصبانی و گرسنه نگرانند. خودشان هم میدانند اگر مردم خواهان اجرای این قانون اساسی خونین و ارتجاعی بودند، این وضع رژیم نبود. سند بردگی و بیحقوقی و آپارتاید تنها باید القا شود و جلو چشم جهانیان به آتش کشیده شود. موضوع "اجرا

میکند به رعایت "قواعد بازی" وادارشان کنند و به آدمهای "معقول" و "خردگرا" در جناح راست رای میدهند و همکاری میکنند، اما جناح راست یکی یکی شعارها و طرحهای دوم خردادیهها را مصادره کرد و با ارعاب و دستگیری لایه های پائینی آن، دوم خرداد و "اصول گرایی" را به قول کیهان به "مدار انقلاب و اسلام" برگرداند. بند و بست و کشمکش روزمره جناحهای حکومتی جزئی لاینفک از حیات منحوسشان است و تا روز آخری که توسط مردم از اریکه قدرت پائین کشیده خواهند شد، به جان هم می افتند، تجزیه میشوند، وحدت میکنند و به همدیگر چنگ و دندان نشان خواهند داد. راهی ندارند. روی

دور جدیدی از کشمکش جناحهای رژیم اسلامی حول موضوعاتی مانند "اجرا و نقض قانون اساسی" و مقوله "جرم سیاسی" آغاز شده است. دولت و مجلس دو خردادی طرح مینویسند و شکوه و گلایه میکنند، شورای نگهبان رد میکند و قوه قضائیه به تهدید و ارعاب و محاکمات نمایشی و عربده کشی ادامه میدهد. از یکسو جناح راست بی وقفه حمله میکند و دم دو خرداد را میچیند و خودش "اصلاحات" تعیین میکند، از سوی دیگر دوم خردادیهها تقیه میکنند و گردن کج میکنند و غرولند میکنند. دوم خردادیهها شعارشان این بود که "اصلاح طلبان" در صدد حذف جناح مقابل نیستند بلکه تلاش

# کمپین اعتراض به کشتار زنان در عراق ابعاد بین المللی پیدا کرده است

پخش خبر قتل عام وحشیانه زنان در عراق، به یک موضوع مهم مورد بحث در بین بسیاری از سازمانهای مدافع حقوق انسانی، سازمانهای زنان و فعالین و شخصیتها تبدیل شده است. آخرین اخبار حکایت از این دارد که ابعاد کشتارها به زنان تن فروش محدود نمانده و تعدادی از زنان معترض و منتقد را نیز وحشیانه به قتل رسانده اند.

یک پزشک زن به اسم نجات محمد حیدر را که به نحوه توزیع داروها در عراق اعتراض کرده بود، دستگیر و در زندان سر او را بریده اند. اخباری که بدست ما رسیده است، حکایت از دستگیری تعداد بیشتری از زنان و احتمال قتل این زنان است.

ما با بسیج بیشترین نیروها باید چنان فشاری را به دولت فاشیست عراق وارد کنیم که فوراً این قتل عامهای وحشیانه را متوقف کند. بدنبال ملاقاتهای متعدد فعالین کمپین و مصاحبه با رسانه ها، خبر این کمپین در سطح وسیعی پخش شده است. در ادامه این کمپین همچنین در شهرهای استکهلم، هلسینکی و بن در مقابل سفارت رژیم عراق و در سیدنی استرالیا در مرکز شهر میتینگهای اعتراضی برگزار شد و تظاهر کنندگان به سیاست وحشیانه قتل عام زنان تن فروش اعتراض کردند. در همه این میتینگها علاوه بر سخنرانی کادرها و فعالین دو حزب کمونیست کارگری ایران و عراق نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی دیگر نیز حضور یافته و سخنرانی کردند. ما در اینجا آخرین لیست پشتیبانان این کمپین را که به تعدادشان روز به روز افزوده میشود اعلام میکنیم.

کانادا ۴۹- اس. هوف دانشگاه هامیلتون کانادا ۵۰- کریستیا کرووز دانشگاه کوشن آمریکا ۵۱- بیس اردایلی آمریکا ۵۲- ریجیل کوتتر دانشگاه کوشن آمریکا ۵۳- دیبی بریمان اداره ملیورن استرالیا ۵۴- آنیلا لاسون از اتحادیه ملی سازمانهای زنان بریتانیا ۵۵- رنا نسیم سازمان بین الملل فمینیستی ای.بی.سی سویس ۵۶- تونیا لوف جوی بین الملل فمینیستی سویس ۵۷- راکا مانجاز دانشگاه چارلستن استرالیا ۵۸- آنتونیو دیکوفانی آمریکا ۵۹- هما بیگ پاکستان ۶۰- مارگریت تمسون از دانشگاه دینفا کانادا ۶۱- جونی فی-کنورس از پزشکان بی مرز دانشگاه ارکانزاس آمریکا ۶۲- بینار الکاراکان سازمان برای حقوق انسانی زنان ترکیه ۶۳- مارگریت تیرنا گروه زنان انترناسیونالیست بریتانیا ۶۴- جیری سی-کروز فیلیپین ۶۵- مارتین اینکیفست از حزب سبز فنلاند ۶۶- کمیته هماهنگی کاروان حقوق مدنی بریتانیا ۶۷- گابی هازه آلمان ۶۸- سعید کلهر آلمان ۶۹- ریستو والیاکا حزب سوسیالیست فنلاند ۷۰- ماشا موساوند آلمان ۷۱- دبیرخانه همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۷۲- مریم نمازی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۷۳- ۴۰ نفر مسئولین شبکه انتقادی به اتحادیه خدمات او-ت.فا آلمان از شهرهای فرانکفورت، کلن، برمن، برلین، اسن، دورتموند، بوخوم، کره فلد، و لایپزیگ ۷۴- حمید رحیم پور ۷۵- اینگرید موریتز اطریش ۷۶- ریچارد هردینگ از مجله نقد (کریستیک) آلمان ۷۷- سوزانه بالی اطریش ۷۸- بنیاد موروا - (مبارزه با تجارت سکس و فحشا) آلبانی ۷۹- گروه "زنان اول" - (مبارزه با تجارت سکس و فحشا) فرانسه ۸۰- گروه "کمک به قربانیان تجارت فحشا" - مجارستان ۸۱- سازمان شورای زنان دانمارک ۸۲- لیگ عمل دمکراتیک اتیوپی ۸۳- بخش دادخواهی اضطراری- کمیسون آسیایی حقوق بشر-کانادا ۸۴- سازمان نظارت مردمی آفریقای جنوبی ۸۵- سالامون الایتوانی - فعال مبارزه علیه تجارت فحشا- مجارستان ۸۶- دافید مورگان- فعال حقوق مدنی از نیوزیلند ۸۷- آذر ماجدی- مدیر رادیو انترناسیونال و سردبیر مدوسا ۸۸- کلر کلازمن- سازمانده سیاسی، ایالت ارگان آمریکا ۸۹- الیاس کیفل - فعال حقوق مدنی ۹۰- آنجلا ماهونی - فعال حقوق زنان از ایرلند ۹۱- کنستانتین سارادو - ژورنالیست از یونان ۹۲- سازمان دنیای زنان فرانسه ۹۳- سارا محمد از طرف مرکز حفاظت از زنان در کردستان عراق ۹۴- پروین معاذی از طرف کمپین دفاع از حقوق زنان ایران آلمان ۹۵- پروین کابلی از طرف کمپین دفاع از حقوق زنان کمپین دفاع از حقوق زنان ایران دانمارک ۹۸- ثریا شهابی - فعال حقوق زنان ۹۹- مهین علیپور- فعال حقوق زنان سوئد ۱۰۰- مرکز نظارت بر حقوق انسانی در کردستان عراق ۱۰۱- اتحادیه کارگران جنگل در استرالیا ۱۰۲- جنبش سراسری حقوق مدنی در انگلستان ۱۰۳- حزب سوسیالیست اسکاتلند ۱۰۴- یونیسون، اتحادیه کارکنان بخش خدمات در انگلستان ۱۰۵- فدراسیون سراسری پناهندگان عراقی ۱۰۶- لیگ کمونیستهای جوان بریتانیا ۱۰۷- گروه "زنان بی پرده سخن می گویند" ۱۰۸- سازمان زنان عراقی در فنلاند ۱۰۹- کارن توماس - ژورنالیست ۱۱۰- کمیته دفاع از حقوق زنان استرالیا ۱۱۱- سازمان زنان پناهنده کرد ۱۱۲- سازمان عفو بین الملل انگلستان ۱۱۳- کمیته دفاع از حقوق زنان کانادا ۱۱۴- کمپین زنان اتحادیه دانشجویان انگلستان ۱۱۵- جودیت بوروز - نویسنده و فیلمساز ۱۱۶- هیلاری وین رایت - نویسنده و فعال حقوق زنان ۱۱۷- لیز ماری دیویس - فعال حقوق زنان ۱۱۸- پاتریشیا جیمز - حقوقدان ۱۱۹- مجله تلگراف آلمان ۱۲۰ - گوندی دیک - سردبیر نشریه همبستگی زنان اطریش ۱۴۱- حزب سوسیالیست چپ نروژ

باید با پخش خبر جنایات هولناک دولت فاشیست عراق، در سراسر دنیا صف متحدی از انسانهای آزادیخواه، سازمانهای مدافع حقوق انسانی و تشکلهای کارگری و اناسندوست را در مقابل این دولت قرار داد و کاری کرد که فوراً جلوی این قتل عام وحشیانه گرفته شود. دولت عراق باید بداند که اکنون قرون وسطی نیست که سر زنان را از تن جدا کرده و برای ادامه حکومت جنایتکارش از مردم زهر چشم بگیرد. جامعه انسانی و بشر مترقی امروز در قرن بیست و یک اجازه نخواهد داد که این جنایان جامعه را قرنهای عقب برگردانند. کمپین نجات زنان تن فروش عراقی تلاش مهمی است برای سد کردن این جنایت هولناک. به صف این کمپین بین المللی بپیوندید.

مینا احدی کمپین نجات زنان تن فروش عراقی ۳۰ نوامبر ۲۰۰۰

۱- سازمان عفو بین الملل فراخوان به یک آکسیون فوری بین المللی انگلیس  
۲- اوریو هاگانین دبیر اول حزب کمونیست فنلاند ۳- آندریو فریگوسن، دبیر اتحادیه کارگران ساختمانی و معادن استرالیا ۴- د. جیل گولدن، استاد زبان انگلیسی در دانشگاه لیندرسن استرالیا ۵- ریچارد باس انگلیس ۶- ناتاشا مرفی آمریکا ۷- ویلیام نینک، عکاس روزنامه هرالد تریبون آمریکا ۸- آولی کیتونین، مسئول اتحادیه بیکاران استرالیا ۹- د. روبین می، دانشگاه کینهاک دانمارک ۱۰- ههریته زاهاریه، مرکز جریان فمینیستی یونان ۱۱- کارین مالبید، نویسنده تئاتر آمریکا ۱۲- رضا کمانگر، عضو رهبری تشکیلات بیکاران ایرانی- عراقی فنلاند ۱۳- جینا دیکسون، دبلیو. سی انگلیس ۱۴- لوری ناستوراس، سردبیر مجله انگلیس ۱۵- د. لوسی هیلی، محقق تاریخ زنان استرالیا ۱۶- آمینه توکین، سازمان دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ترکیه فنلاند ۱۷- دمیر دیمیر، سازمان دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ترکیه فنلاند ۱۸- میلان اورهانت، مسئول کمپین برعلیه بازار آزاد استرالیا ۱۹- اوکاسا سجوورتس، دانشگاه اوتاوا کانادا ۲۰- لورن کارل هارس، سازمان جوانان سوسیالیست استرالیا ۲۱- لافیتا بارتیو یونکفا جمهوری چک ۲۲- تانیا لوکینین فنلاند ۲۳- د. شیوا کومارسینک، مرکز ایجاد جامعه مدنی و دمکراتیک هند ۲۴- جین توماس، دانشگاه نیو برانزویک کانادا ۲۵- لووک دیر، سازمان بین الملل سوسیالیستی استرالیا ۲۶- دیبی بیرنان، زنان رادیکال استرالیا ۲۷- سازمان همبستگی زنان اطریش ۲۸- فراکسیون پارلمانی حزب سبز اطریش ۲۹- یودیت براندنر، ژورنالیست اطریش ۳۰- تیبیک لیکارجان، همکار مرکز روشنفکری زنان ترکیه ۳۱- جیم کاردنر بریتانیا ۳۲- تره ده فام سازمان زنان آلمانی آلمان ۳۳- امنستی اینترناشنال آلمان ۳۴- مرکز خدما برای آوارگان سریلانکا ۳۵- ریستوف کولگر اطریش ۳۶- نسرین رمضانعلی، دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی، آلمان ۳۷- شهناز مرتب دبیر سازمان جوانان کمونیست، آلمان ۳۸- اریکا فیشر ژورنالیست برلین آلمان ۳۹- جلال محمود زاده کمپین همبستگی کارگران ایران و آلمان آلمان ۴۰- هالینه بندوفسکی کارشناس امور اجتماعی، برلین آلمان ۴۱- لیندا والدردن از حزب دمکرات سوسیالیست استرالیا ۴۲- دکاتی یونک از سازمان دفاع از زنان تنها بریتانیا ۴۳- پاتریکا ایستل استرالیا ۴۴- جاوی موسکات از اتحادیه دانشجویان در دانشگاه آ.ام.سی.بی استرالیا ۴۵- تابیر هابیرکون دانشگاه مانجا آمریکا ۴۶- جینی لیجتی دانشگاه کوشن آمریکا ۴۷- ریجیل کارل دانشگاه مانجستا آمریکا ۴۸- آرسی نیمس دانشگاه هامیلتون